

بیانات در دیدار میهمانان شرکت کننده در چهارمین مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) - 28 مرداد/ 1386

بسم الله الرحمن الرحيم

به میهمانان عزیز و مجتتمعان در این اجلاس و گردهمائی خوش آمد عرض میکنیم. همچنین به مناسبت میلادهای مبارک شعبانیه؛ ولادت حضرت اباعبدالله و حضرت سجاد و حضرت ابالفصل و ولادت با سعادت حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) به همه تبریک عرض میکنیم.

محور این اجلاس و اجلاسهای شما برادران و خواهران منسوب به مجمع اهل بیت، يك محور بسیار با عظمتی است؛ یعنی اهل بیت پیغمبر (علیهم الصلاة و السلام). این همان چیزی است که هم در قرآن کریم به اهمیت آن تصریح شده است: «اِثْمًا يَرِيدُ اللّٰهُ لِيَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلِ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»، هم در احادیث نبوی مکرر درباره ی اهل بیت مطالب صریح و غیرقابل انکاری وارد شده است؛ از جمله حدیث معروف «ثقلین» که عترت را در کنار کتاب الله قرار داد: «اِثْمًا تَارِكٌ فَيَكُمُ الثَّقَلَيْنِ كِتَابُ اللّٰهِ وَ عِترتِي»، که متواتر بین مسلمین است. و از جمله حدیث معروف و شاید متواتر «مثل اهل بیتهی کمثل سفینه نوح من ركبها نجا و من ترکها غرق»، و روایات فراوان دیگر.

جمع حاضر محور اجتماعشان، این عنوان فاخر و بسیار والا و با عظمت است. البته همه ی مسلمین به اهل بیت ارادت دارند، مگر جمع خیلی خیلی که نواصب و امثال اینها باشند. فرقه های مسلمین، همه نسبت به اهل بیت پیغمبر ارادت دارند و جایگاه والای آنها را در علم و عمل قبول دارند؛ ولی شیعیان کسانی هستند که به تعبیر زیارت جامعه - «معروفین بتصدیقنا ایاکم» - شناخته شده اند به اینکه اینها پیرو ائمه و مصدق ائمه (علیهم السلام) هستند و مقامات معنوی آنها را میشناسند و جایگاه آنها را در امت اسلامی و در جانشینی پیغمبر میپذیرند و قبول کرده اند. اینکه محور این اجتماعات، يك چنین امر با عظمتی است، سطح کار، عظمت کار، ارزش کار را بالا میبرد؛ رسالت کار را اهمیت میبخشد. برای چه ما دور هم جمع میشویم؟ این هدف را باید به طور مشخص روشن کنیم؛ بدانیم دنبال چه هستیم.

امروز دنیای اسلام به پیام اهل بیت نیازمند است. مسئله ی پیروان اهل بیت و مجمع اهل بیت و ندای اهل بیت در جوامع شیعی، ندای تفرقه افکنانه نیست؛ بر خلاف آنچه که بعضی تنگ نظرها از يك طرف و بعضی مغرضها از يك طرف تصور میکنند و آن را در بوقهای تبلیغاتی خودشان دائم میدمند و تکرار میکنند. مسئله، مسئله ی نفی نیست؛ مسئله، مسئله ی اثبات است. مکتب اهل بیت حقایقی دارد، مطالبی دارد که امروز دنیای اسلام به اینها نیازمند است.

اگر همین صحیفه ی مبارکه ی سجادیه را - که به مناسبت ولادت این بزرگوار جا دارد توجه و اهتمام بیشتری به این کتاب بسیار عزیز بشود - کسی نگاه کند، خلاصه و عصاره ای از تفکرات اهل بیت (علیهم السلام) در این کتاب گنجانده شده است. در صحیفه ی سجادیه، ایمان عمیق، عرفان واضح و دور از ابهام، توجه کامل به مبدأ عظمت و معبود و ذات اقدس الهی، اهتمام به امور مردم، مسلمین - امور آحاد مردمی که با انسان مرتبند - اهمیت به افتخارات اسلامی و صدر اسلام، موج میزند. کتاب زندگی عارفانه و عاشقانه و عاقلانه و خردمندانه است؛ مجموعه ای از اینهاست. و دریای مواج روایات اهل بیت (علیهم السلام) هم از طرف دیگر. این، چیزهایی است که امروز دنیای اسلام به اینها نیازمند است.

ما اگر بر محور نام مبارک اهل بیت اجتماع میکنیم، برای این نیست که دیواری دور خودمان بکشیم تا ما را از بقیه ی مسلمین جدا کند، بلکه بعکس، برای این است که افقهای جدیدی را در مقابل چشم متفکران اسلامی باز کنیم؛ پنجره های جدید را بگشائیم تا حقایق جدیدی را ببینند. این، رسالت و مسئولیت ماست.

در درجه ی اول طبعاً خود پیروان اهل بیت باید اقرار و اعتراف به این هویت والا بکنند و خودشان این گوهر گرانبهائی را که در دستشان هست، بشناسند تا بعد بتوانند آن را عرضه کنند؛ این جرأت را پیدا کنند که در بازار متاعهای گوناگون، این گوهر گرانبهائی را در معرض قرار بدهند؛ در برابر چشم دیگران قرار بدهند.

رسالت مجمع اهل بیت این است: احساس اعتزاز و افتخار به هویت پیروی اهل بیت. ما افتخار میکنیم به اینکه این بزرگواران را شناختیم. ما خدا را شکر میکنیم که نسبت به مقامات اهل بیت پیغمبر (علیهم صلوات الله) غافل نماندیم، خداوند ما را هدایت کرد و فهمیدیم، شناختیم. و احساس کنیم که باید این حقائق را در مقابل چشم مردم جهان قرار داد؛ همان طور که ائمه قرار میدادند؛ نه با تنگ نظری، نه با ستیزه گری، نه با آمیختن مطالب خرافی و خزفها را با این گوهرها مخلوط کردن، که یکی از مسائل امروز ما این است. ما باید از مفاهیم دینی خرافه زدائی بکنیم. به طور کلی از جمله مفاهیمی که در حوزه ی معرفت اهل بیت و معارف اهل بیت وجود دارد، این مسئله است، و این، کار علماست؛ کار برجستگان است؛ کار هر کسی نیست و این وظیفه ی علما و متخصصان را سنگین میکند. همان طور که در روایات وارد شده است؛ «محاسن کلام اهل بیت را به دیگران معرفی کنید»، که - «فان التاس لو علموا محاسن کلامنا» - اگر مردم آن زیباییها و درخشندگیهای کلمات اهل بیت را ببینند، به خودی خود دلها را متوجه آنها میکنند و مجذوب آنها میشوند؛ این امروز وظیفه ی ماست.

یک توطئه ی عمیق و خطرناکی - که خیلی هم قدیمی است - برای ایجاد اختلاف بین فرق اسلامی وجود دارد؛ حالا امروز در دنیا مسئله ی شیعه و سنی را مطرح میکنند، اما این اختلاف مخصوص شیعه و سنی نیست، بلکه میخواهند بقیه ی فرق اسلامی هم در درون تشیع، در درون تسنن - فرقه های اصولی، فرقه های فقهی، فرقه های کلامی - در مقابل هم قرار بگیرند، گریبان هم را بگیرند، علیه هم فریاد بکشند؛ این چیزی است که دشمن میخواهد و بخصوص انگلیسها در این قضیه متبحرند؛ خیلی مجربند؛ سالهای متمادی - دهها سال، شاید بشود گفت به یک معنا صدها - در این زمینه کارکرد دارند؛ خوب بلدند، نقاط ضعف را میشناسند؛ روی آنها انگشت میگذارند برای ایجاد اختلاف. الان هم بشدت مشغولند. البته دیگر اینجا مخصوص انگلیسها نیست؛ سرویسهای اطلاعاتی و امنیتی اسرائیل و امریکا و همه هستند، برای اینکه این اختلاف را عمیق کنند. شایعات درست میکنند؛ با فلان مسئول یک کشور سنی، طوری حرف میزنند که احساس کند شیعه به عنوان یک خطر دارد او را تهدید میکند. اینجا با جامعه ی شیعیان - مسئولان کشور شیعه و بقیه ی کشورهایی که در آنها شیعه هستند - طوری حرف میزنند که احساس کنند اهل سنت دارند آنها را تهدید میکنند و هستی و هویت آنها را از بین میبرند. کارشان این است. عین همین قضیه در تواریخ سابقه هم دارد، نمونه های مشخص و معینی ذکر شده است، ما هم در زمان خودمان داریم می بینیم. به فلان مسئول سنی میگویند چه نشسته ای که از ایران آمدند چند تا روستا را در کشور تو شیعه کردند! اینجا هم می آیند و به بعضی از ما میگویند چه نشسته اید که آمدند چندتا روستا از کشور شما را سنی کردند! اینها کار دشمن است. باید این را شناخت.

یک مسئله، اصل «ایجاد اختلاف و نگرانی» است تا با هم متحد نشوند. تا این اتحاد یک واحد عظیمی را - که تصور آن، دلهای مستکبران طماع را میلرزاند - به وجود نیاورد؛ یعنی واحد امت اسلامی را. اگر امت اسلامی به معنای واقعی کلمه ی امت تشکیل شود، استعمارگران و طمع ورزان و کسانی را که خواسته اند این منطقه را به نفع خودشان بفشردند و از آن بهره برداری کنند، بسیار میترسند. آنها میخواهند این اتفاق نیفتد.

اصل «ایجاد اختلاف»، یک انگیزه ی دیگر هم دارد که آن بعد از قیام ملت ایران و برافراشته شدن پرچم انقلاب اسلامی در این کشور به آن انگیزه ی قبلی اضافه شد و آن این است که میترسند از اینکه تفکرات اسلام ناب، اسلام جهاد، اسلام استقلال، اسلام عزت و هویت، اسلامی که تسلط بیگانگان و دشمنان را بر امت اسلامی گناه میداند و آن را به هیچ قیمت نمیپذیرد، از ایران به بقیه ی جوامع اسلامی سرایت کند و مشکله را برای آنها چند برابر کند. سعی میکنند بین ایران اسلامی و بین سایر مناطق جهان اختلاف بیندازند. میدانند که تفکراتی که یک ملت را - یک ملت استعمارزده مثل ملت ما را در دوران طاغوت - بیدار میکند، به صحنه می آورد، به مجاهدت وادار میکند، ترس او را میریزد، او را به وسط میدان کارزار عظیم بین المللی میکشاند و او را در همه ی مراحل از میدان پیروز خارج میکند، برای جهان خواران، برای کسانی که برنامه برای منطقه ی خاورمیانه و برای نفت اینجا و برای بقیه ی چیزهای اینجا دارند، خیلی خطرناک است. نمیخواهند بگذارند؛ البته خیلی هم تلاش کرده اند، موفق هم نشده اند تا امروز، تا امروز تفکرات انقلاب اسلامی به همه جای دنیای اسلام، علی رغم آنها نفوذ کرده است؛ با همه ی این تخریبها،

با همه ی این تبلیغات مخالف. البته اگر تبلیغات آنها نبود، وضع طور دیگری میشد. لذا امروز علیه نظام اسلامی و جمهوری اسلامی تبلیغات فراوانی میشود. از يك طرف علیه تشیع هم به همین جهت تبلیغات میشود. آن مجموعه ای که به عنوان پیروان اهل بیت میخوانند وسط میدان باشند و کار کنند، باید به این چیزها توجه کنند و اولویتهای خودشان را با توجه به این حقایق انتخاب کنند.

برادران و خواهران عزیز! شما کار بزرگی را بر عهده گرفته اید. مجمع اهل بیت وظائف بزرگی را برای خودش تعریف کرده است. این کارهای شکلی - چند تا سمینار در کجا و... - کارهای کوچکی است. کار اساسی شما، کاری است که باید در خلال این فعالیتها تحقق پیدا کند و آن، معرفی مکتب اهل بیت (علیهم السّلام) است به دنیای اسلام، بلکه به سراسر عالم؛ چون امروز همه ی دنیا تشنه ی معنویتند و این معنویت در اسلام هست و در اسلامی که در مکتب اهل بیت معرفی میشود، به نحو جامع و کاملی وجود دارد؛ معنویت بدون انزوا، بدون جدائی از زندگی، معنویت همراه با سیاست و عرفان، همراه با فعالیت اجتماعی، تضرع و گریه ی پیش خدای متعال و همراه با جهاد. این چیزهایی است که در مکتب اسلام وجود دارد، در تعلیمات و معارف شیعه متبلور و مجسم است و نمونه های زنده اش را ما دیده ایم؛ در تاریخ معاصر هم در ایران اسلامی این نمونه ها فراوان و فراوان دیده شد. این، وظیفه ی اصلی است.

البته این را ما یقین داریم که در این کارزاری که بین حق و باطل، امروز راه افتاده است - کارزار بین اسلام و معارف اسلامی و بیداری اسلامی از يك سو، و طمع ورزیهای استکباری سیاستهای شیاطین عالم و در رأس آنها شیطان بزرگ یعنی دولت امریکا از يك طرف دیگر - پیروزی با ماست؛ پیروزی با طرف حق است. در این، هیچ تردیدی وجود ندارد. همه ی قرائن این را نشان میدهند و تأیید میکنند. طبیعت سنن الهی هم همین است؛ یعنی غیر از این معنی ندارد. آن گروهی که طرفدار حقند اگر بایستند و اقدام بکنند، شکی نیست که بر باطل پیروز خواهند شد. سنتهای الهی در جهت تقویت حق است و انتظار طبیعی از جریان سنن الهی در تاریخ، اقتضاء این را دارد. ما هم داریم به تجربه این را مشاهده میکنیم. اگر امروز نشاط و حرکت اسلامی در دنیا با بیست سال قبل مقایسه شود، ملاحظه خواهد شد که بمراتب، به اضعاف مضاعف نسبت به بیست سال قبل، این حرکت نشاط بیشتری دارد و پیشرفت بیشتری کرده. خصوص جمهوری اسلامی را اگر نگاه کنید - امسال را با بیست سال قبل ملاحظه کنید - می بینید جمهوری اسلامی در همه ی ابعاد پیشرفتهای محیرالعقولی کرده است؛ از جهت علمی، از جهت فناوری، از جهت سیاسی، از جهت مدیریتی، کارآمدی بیشتری پیدا کرده است؛ قوت بیشتری پیدا کرده است. در سطح دنیای اسلام - در آفریقا و آسیا، حتی در کشورهایی که مسلمانها در اقلیتند - هم انسان می بیند که این احساس هویت در میان مجموعه های مسلمان روزبه روز بیشتر شده است؛ این از این طرف.

از آن طرف هم امریکای امروز از امریکای بیست سال قبل بمراتب ضعیف تر است. امریکای امروز ابهت آن امریکا را ندارد، قدرت آن امریکا را هم ندارد. شکستهایی را هم تحمل کرده که روزبه روز ضعف او را بیشتر کرده است؛ در ورطه هایی هم افتاده است که هرچه زمان میگذرد، در این ورطه ها بیشتر فرو میرود و آینده ی خطرناکی را برای امریکا و برای همه ی کسانی که با ریسمان امریکا به ته چاههای خطرناک سیاسی و غیره رفتند، ترسیم میکند. این تجربه ی ماست، این نگاه ماست؛ این واقعیهایی است که در برابر ماست؛ منتها به این واقعیتها مغرور هم نباید شد.

باید دانست که رحمت الهی و کمک الهی بستگی دارد به حرکت و تلاش انسان مؤمن؛ به عمل صالح او. باید در میدان باشیم، باید احساس وظیفه را فراموش نکنیم؛ مجاهدت را فراموش نکنیم؛ جهاد در صحنه های مختلف، وظیفه ی ماست و ضامن پیشرفت و پیروزی ماست. در صحنه ی سیاسی هم جهاد هست، در صحنه ی فرهنگی هم جهاد هست، در صحنه ی تبلیغاتی و ارتباطاتی هم جهاد هست، در صحنه های اجتماعی هم جهاد هست. جهاد فقط جهاد نظامی نیست؛ انواع و اقسام عرصه های زندگی بشر، عرصه ی جهادند.

در هر جای دنیا که هستیم، ارتباطات بین برادران روزبه روز مستحکم تر شود، کار آنها متراکم تر، اولویتهای آنها روشن تر و نیروها بیشتر مصروف اولویتهای بشود. مطمئناً چشم انداز فردای جامعه ی مسلمین به طور عام و پیروان

اهل بیت به طور خاص، از امروزشان بهتر خواهد بود و ان شاءالله به اهداف و آرمانهای والا نزدیکتر خواهند بود. امیدواریم خداوند متعال تفضلات خود را شامل حال همه ی برادران و خواهران بفرماید ؛ ما را با وظائفمان آشنا کند ؛ ما را به انجام دادن به این وظائف توفیق بدهد و ان شاءالله قلب مقدس حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) را از ما راضی و خشنود کند و ان شاءالله روح مطهر امام راحل - که او این راه را در مقابل ما گشود - و ارواح طیبه ی شهداء را از ما راضی و خشنود کند.
والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته